

مقاله علمی

مطالعه جایگاه سنگ در هنر صخره‌ای زاگرس میانی^۱

زینب خسروی^۲، سعید رحیمی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷)

چکیده

سنگ در صحنه‌ها و وضعیت‌های مختلف در هنر صخره‌ای زاگرس میانی نقش شده است. هنر صخره-ای بازگوکننده ذهنیت نیاکان ما درباره پدیده‌های مختلف و نمایشی از شیوه زندگی آن‌ها است. بنابراین با توجه به نقوش متنوع سنگ، این جانور نیز از اهمیت بارزی در زندگی مردم گذشته برخوردار بوده که در سنگ‌نگاره‌ها و رنگین‌نگاره‌های بیشتر محوطه‌های زاگرس میانی نقش شده است. سؤالات اصلی پژوهش حاضر این است که بر پایه نقش سنگ در هنر صخره‌ای زاگرس میانی، این جانور در جوامع باستان، چه جایگاه و ارزشی داشته و اکثراً نقش سنگ در کدام صحنه‌ها و موضوعات تصویر شده است؟ داده‌های این پژوهش با شیوه میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روش توصیفی-تحلیلی مطالعه شده‌اند. برآیند نشان می‌دهد که سنگ به صورت تک‌نگاره، متقارن، گروهی، در مقابل گرگ، با جانوران دیگر، در کنار انسان، در صحنه‌های شکار و مراسم آیینی نقش شده است و این نقوش علاوه بر اینکه ویژگی درنده‌خویی سنگ را نشان می‌دهند، بیانگر این هستند که این جانور باعث بهبود شرایط زندگی انسان شده است. به گونه‌ای که سنگ با شرکت در شکار و حفاظت از دام، وضعیت معیشتی انسان را بهتر کرده و همواره در موقعیت‌های مختلف یار انسان بوده و در برابر هر تهدیدی از صاحبش مراقبت می‌کرده است، به صورتی که بعد از مرگ انسان نیز این وظایف ادامه داشته است.

کلیدواژه‌ها: سنگ، سنگ‌نگاره، رنگین‌نگاره، زاگرس میانی، شکار، آیین

۱ مقاله پژوهشی مستقل

۲ دکتری باستان‌شناسی، گرایش دوران تاریخی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

z.khosravi@uma.ac.ir

۳ دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، گرایش دوران پیش از تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

saeed.rahimi3556@gmail.com

مقدمه

سنگ ماده‌ای است که به وفور در طبیعت یافت می‌شود و نخستین و در دسترس‌ترین ماده برای ساختن، پرداختن و شکل دادن در جهت رفع انواع نیازهای مادی و معنوی انسان بوده است. سنگ نمادی از سختی، سکون و پایداری است و نقش بر سنگ به آن روح و جان می‌بخشد. انسان با زندگی در جهان با پدیده‌های مختلف طبیعی و انسانی آشنا شد و بنا به نوع کنشی که با آن‌ها برقرار کرد، وجود خود را گسترش داد. از همین رو نقش‌هایی که بر بوم‌های سنگی پدید آمده‌اند، در وهلهٔ نخست بازنمایی از وجود بارور شده و غنی انسان طی زمان است و نمایشی از مواجهه و مناسبات انسان با مؤثرترین پدیده‌های طبیعی و انسانی در زندگی‌اش است. محیطی که انسان برای نقش کردن برمی‌گزیند، سنگ و همه نقوش برای خالقان آن ارزش و معنا دارند و نیت و هدفی مشخص، باعث ایجاد آن‌ها شده است. همه نقوش ایجادشده بر سنگ‌نگاره‌ها تجسم و عینیتی از تخیلات، آرزوها، امیدها و ترس‌ها و به طور کلی تجربه زیستهٔ جوامعی است که نوشتن در زمان آن‌ها ابداع نشده بود، یا از نوشتن آگاهی نداشتند و یا ایجاد نقش را بهترین دلالت بر مدلول و مفهومی یافته‌اند که در ذهن داشته‌اند. هنر صخره‌ای منبع معتبر و مستند دربارهٔ تحقیق در زیرساخت‌های مفهومی و روانشناختی انسان امروزی محسوب می‌شود (رفیع-فر، ۱۳۸۴: ۱۴۱). ویژگی سختی سنگ و ابزار ایجاد نقش باعث شکل یافتن نقوش کوچک و مینیاتوری بر بوم سنگی می‌شد که ویژگی هنر صخره‌ای در مفهوم امروزی است و شیوهٔ اجرای آن کنده‌نگاره است (رضایی و جودی، ۱۳۸۹: ۳).

یکی از زیاترین نقش‌های سنگ‌نگاره‌ها، نقوش جانوری است. از دیرینه‌ترین زمان‌ها انسان در چالش مداوم با طبیعت و موجودات طبیعی از جمله جانوران مختلف بود تا بتواند بقا و زیستن خود را تضمین کند و همین چالش، نقش‌مایهٔ اکثر شواهد باستان‌شناختی را به خود اختصاص داده است. گاه این نقش‌مایه‌ها جنبه‌های اعتقادی، آیینی، نمادی و نشانه‌ای یافته‌اند. به نظر می‌رسد با افزایش آگاهی انسان از جانوران مختلف، ارزش‌های دیگری را که برآمده از زندگی جمعی است، به این موجودات نسبت داده‌اند. بر اساس شواهد مختلف باستان‌شناختی تعدادی از این جانوران به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد ظاهری‌شان و اهمیتی که در روند زندگی انسان داشته‌اند، به صورت مکرر نقش شده‌اند. شیوهٔ بازنمایی نقش این جانوران و

ارتباطی که با سایر نقوش داشته‌اند تا حدودی جایگاه و اهمیت آن جانور در رویدادهای مهم زندگی انسان را نمایش می‌دهد. یکی از پرتکرارترین نقش‌های جانوران که در صحنه‌های مختلف سنگ‌نگاره و رنگین‌نگاره‌های زاگرس میانی حضور دارد، نقش سگ است. این پژوهش سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که بر پایه نقش سگ بر سنگ‌نگاره‌های زاگرس میانی، این جانور در جوامع باستان، چه جایگاه و ارزشی داشته و اکثراً نقش سگ در کدام صحنه‌ها و موضوعات تصویر شده است؟ شناخت و آگاهی از اعتقادات و باورهای انسان گذشته درباره سگ و نوع مواجهه‌اش با این جانور در یک منطقه جغرافیایی نسبتاً گسترده و مشابه که می‌توان آن را یک منطقه فرهنگی در نظر گرفت، هدف پژوهش حاضر است.

پیشینه پژوهش

تاکنون چندین پژوهش به معرفی، بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های زاگرس میانی پرداخته‌اند که مهم‌ترین نمونه‌های آن بیان می‌شود: مک بورنی (۱۳۴۸) نقوش صخره‌ای غارهای میرملاس و دوشه در لرستان را معرفی کرد. لحافیان (۱۳۷۹) به بررسی سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ کردستان پرداخت. فرهادی (۱۳۷۶) در کتاب «موزه‌هایی در باد» به مطالعه سنگ‌نگاره‌های مناطق مرکزی و کرمان پرداخت. گاراژیان و همکاران (۱۳۸۰) سنگ‌نگاره‌های منطقه کوه‌دشت را بررسی کردند. اوت^۱ سرپرست گروهی از پژوهشگران از دانشگاه لیژ و همکاران ایرانی‌اش - عادل و محمدی - سنگ‌نگاره‌های هومیان را مطالعه کردند (Remacle & et al, 2006). قسیمی (۱۳۸۵) به بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای کردستان پرداخت. بیک‌محمدی و همکاران (۱۳۹۱) هم سنگ‌نگاره‌های ارگس سفلی همدان را بررسی و تحلیل کردند. محمدی‌فر و همتی ازندریانی (۱۳۹۳) به بررسی سنگ‌نگاره‌های ازندریان پرداختند. ناصری‌فرد (۱۳۹۵) در کتاب «سنگ‌نگاره‌های ایران: زبان مشترک جهانی» سنگ‌نگاره‌های محوطه‌های استان مرکزی و لرستان را مطالعه کرده است. سبزی و همتی ازندریانی (۱۳۹۹) به بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های بروجرد رو آورده‌اند. رحیمی (۱۳۹۹) سنگ‌نگاره‌های نویافته استان‌های مرکزی و لرستان را معرفی و تحلیل کرد.

1 Otte

البته باید به این موضوع اذعان داشت که مطالعهٔ هنر صخره‌ای در ایران به تازگی نشو و نما یافته است و می‌توان این هنر را با روش‌شناسی مختلف و از زوایای دید متفاوت تحلیل کرد، به طوری که این پژوهش بر خلاف سایر پژوهش‌هایی که به معرفی سنگ‌نگاره‌های محوطه‌ای مشخص پرداخته‌اند و دربارهٔ سبک ایجاد، گاه‌نگاری و مقایسه نقوش با سایر محوطه‌ها تحقیق کرده‌اند، فقط بر نقش سگ تمرکز دارد و این نقش را در سنگ‌نگاره‌های یک ناحیهٔ فرهنگی یعنی زاگرس میانی مطالعه و تحلیل کرده است.

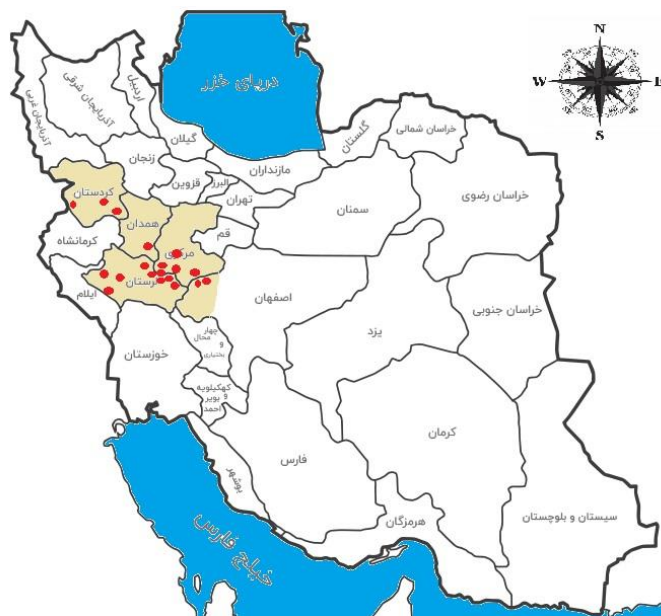
روش پژوهش

اکثر سنگ‌نگاره‌هایی که تصویر آنها در این پژوهش آورده شده است، شواهد باستان‌شناختی نویافته‌ای است که رحیمی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه خود به مطالعه و تحلیل آن‌ها پرداخته است. روش گردآوری این داده‌ها میدانی است و طی آن از زوایای مختلف سنگ‌نگاره‌ها عکس گرفته شد و نقوش با استفاده از برنامه‌های تصویری-رایانه‌ای طراحی گردید. البته تعدادی از سنگ-نگاره‌هایی که نقش سگ در آن‌ها تصویر شده بود، در سایر مقالات یا کتاب‌ها موجود بود که از این منابع استفاده شد. نقوش سگ بر حسب نوع موضوعی که آن را نمایش می‌داد، دسته‌بندی و با روش توصیفی-تحلیل و بر پایهٔ اطلاعاتی که با شیوهٔ کتابخانه‌ای گردآوری شده بود، مورد مطالعه قرار گرفتند.

محدودهٔ مورد پژوهش

ناحیهٔ زاگرس میانی، ناحیه‌ای است که از نظر تقسیمات سیاسی بخشی از استان همدان، بخش وسیع‌تری در قسمت‌های مرکزی و غربی استان کرمانشاه، بخشی از استان کردستان و بخش‌هایی از نواحی جنوبی استان‌های لرستان و ایلام را شامل می‌شود. باستان‌شناسان حوزه مطالعاتی پیش از تاریخ کانادایی و آمریکایی، واژه زاگرس میانی را به این ناحیهٔ جغرافیایی اطلاق کردند (شاخ، ۱۳۸۱: ۳۴۲). زاگرس میانی یکی از مناطق کوچندگی در خاور نزدیک به شمار می‌رود (Henrickson, 1985: 12). کوه‌های زاگرس عارضه زمین‌شناسی پهناور، مرتفع و متراکمی است که در جهت شمال‌غربی-جنوب‌شرقی از جنوب ترکیه و شمال عراق تا جنوب ایران کشیده شده است و در ایران، رشته کوهی مرتفع به طول ۱۴۰۰ کیلومتر و پهنای

۱۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر را شکل می‌دهد که از شمال به آذربایجان و از جنوب به تنگه هرمز می‌رسد (حیدری، ۱۳۷۸: ۶۱-۶۲). مرتفع‌ترین کوه‌های زاگرس میانی اشترانکوه و گرین با ۴۰۰۰ متر هستند. این ناحیه دربرگیرنده چین‌خوردگی، ارتفاعات زیاد، دره‌های باریک و عمیق، دشت‌ها و دره‌های میان‌کوهی با وسعت کم و عموماً سنگلاخی و غیرقابل کشاورزی است (Henrickson, 1985: 10). سنگ‌نگاره‌ها و رنگین‌نگاره‌هایی که در این پژوهش مطالعه شده‌اند، عمدتاً در استان‌های کردستان، همدان، لرستان، مرکزی و اصفهان پراکنده شده‌اند که مکان‌های کشف سنگ‌نگاره‌های هر استان بر روی نقشه مشخص شده است (نقشه ۱). استان لرستان وسیع‌ترین ناحیه از منطقه جغرافیایی زاگرس میانی است که بخش‌های شمالی کوه‌های زاگرس میانی را دربرمی‌گیرد. بخش‌های دیگر زاگرس میانی در استان‌های مرکزی، همدان و کردستان واقع است. پست‌ترین منطقه در استان مرکزی دشت مسیله در جنوب ساوه و مرتفع‌ترین ناحیه آن قله شهباز در کوه‌های راسوند است (مولوی، ۱۳۹۰: ۱۱). در استان همدان، زاگرس میانی دشت‌های میان‌کوهی و حوضچه‌های محصورشده در برجستگی‌ها و چین‌خوردگی‌های مختلف را شامل می‌شود (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۰: ۲۱). استان کردستان منطقه کوهستانی است که هر اندازه از شمال به جنوب حرکت کنیم بر ارتفاع و پیچیدگی مناطق کوهستانی آن افزوده می‌شود. بنابراین دشت‌های این ناحیه محدود است و دشت‌های کم‌وسعتی کنار رودخانه‌های آن گسترش یافته است (قنبری، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۲۹). حوزه جغرافیایی زاگرس میانی را می‌توان یک حوزه فرهنگی در نظر گرفت که از رهگذر بررسی نقوش مختلف سگ در این حوزه فرهنگی می‌توان به باورها و اعتقادات مردم درباره این جانور پی برد.



نقشه (۱): پراکنش محوطه‌های سنگ‌نگاره‌ها با نقش سگ در نقشه ایران (منبع: نگارندگان)

بیشترین تعداد سنگ‌نگاره‌ها و رنگین‌نگاره‌ها با نقش سگ از استان لرستان به دست آمده است که تعداد آن یازده است و بعد از آن استان‌های مرکزی با تعداد هفت، همدان، اصفهان و کردستان با تعداد دو در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

معرفی نقوش سگ در سنگ‌نگاره‌های زاگرس میانی

در ناحیهٔ جغرافیای زاگرس میانی، نقوش سگ در حالت‌ها و موضوعات مختلف نقش شده‌اند که عبارت‌اند از: ۱) دو تک‌نگاره سگ (تصاویر ۱، ۲، ۳ و ۲) دو نقش متقارن سگ (تصاویر ۴ و ۵) یک نقش گروهی از سگ‌ها (تصویر ۶) ۴) یک نقش سگ در مقابل گرگ (تصویر ۷)، ۵) پنج نقش سگ همراه با جانوران دیگر (تصاویر ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲)، ۶) شش نقش سگ در کنار انسان (تصاویر ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸) ۷) شش نقش سگ در صحنه‌های شکار

(تصاویر ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ و ۸) یک نقش سگ در مراسم آیینی (تصویر ۲۵)، روی هم‌رفته ۲۴ نقش سگ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بیشترین نقش سگ در صحنه شکار ایجاد شده است و کمترین آن نقش گروهی سگ، نقش سگ در مقابل یا همراه با گرگ و نقش سگ در مراسم آیینی است. همه این نقوش ذهنیت انسان درباره سگ در وضعیت و شرایط مختلف زیستی خود و سگ را تجسم بخشیده‌اند.

تک‌نگاره سگ

انسان جانورانی را که به طور مستمر می‌دید و در زندگی خود حضور آن‌ها را به طور عینی مشاهده می‌کرد، مایه شگفتی و الگوی زنده زندگی می‌پنداشت، بنابراین انسان نیم‌نگاهی به آنان و نیم‌نگاهی به خود داشته و در مقایسه دائمی خود را برتر از آن‌ها می‌یافت و تلاش می‌کرد تا از آن‌ها برای زندگی بهتر بهره‌برداری کند (ذاکری و جماران، ۱۳۸۹: ۲۰). انسان بیشتر چشم به جهان پیرامون و جانورانی داشت که در آن می‌زیستند، از این رو جانوران مختلف همواره موضوعی در ذهن انسان بودند که به دلایل متنوعی به آن‌ها در آثار هنری خود عینیت می‌داد. تک‌نگاره‌های سگ در روستای ارگس سفلی ملایر و روستای فرزبان ازنا، از دسته نقوشی هستند که به گونه‌ای بیانگر رابطه خاص و ویژه انسان با این جانور است.



تصویر (۳): کلورز،

گیلان، هزاره اول پ.م.
(گلشن، ۱۳۹۳: ۳۷)



تصویر (۲): روستای فرزبان، ازنا،
لرستان (نگارندگان، ۱۳۹۸)



تصویر (۱): روستای ارگس سفلی، ملایر،

همدان

(بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱)

گرچه جانوران دیگری نیز ممکن است بر مواد فرهنگی به صورت تک‌نگاره ظاهر شوند، اما نقش هر جانور بر اساس ویژگی‌های ذاتی‌اش و حضور متفاوتی که در زندگی انسان باستان

داشته، به گونه‌ای متفاوت معنا می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این دو تک‌نگاره ریخت‌سگ‌هایی است که به نمایش درآمده‌اند، بدن و پوزهٔ این سگ‌ها کشیده و گوش‌های تیز و دم برگشته دارند و از لحاظ ریخت‌شناسی مشابه تندیس مفرغی از سگ گله‌ای است که از کلوروز در استان گیلان متعلق به هزارهٔ اول پ.م. به دست آمده است. البته این سگ قلاده‌ای نیز بر گردن دارد (گلشن، ۱۳۹۳: ۳۷). ویژگی بصری همهٔ تک‌نگاره‌ها تمرکز حواس مخاطب بر یک نقش خاص و ویژه است، اما سوال این است که چه عاملی باعث تصویر کردن سگ در تک‌نگاره شده است؟ مشخص است که این تک‌نگاره‌ها بازگوکنندهٔ جایگاه سگ در میان خالقان نقش است، هنرمند یا نژاد خاص از سگ را که به او علاقه دارد، نقش کرده است یا نقش سگ خود را تصویر کرده است که در روند زندگی‌اش خدمات زیادی به صاحبش داده است. به نظر می‌رسد این تک‌نگاره‌های سگ با توجه به ویژگی ریخت‌شناسی که مشابه سگ تازی است، نقش‌های یادمانی از این جانوران هستند که مالک آن می‌خواهد سگ مورد علاقه خود را جادوانه کند. زیرا از دیرینه‌ترین زمانی که سگ رام می‌شود، هر سگی به یک فرد وفادار بوده است، در حقیقت سگ مالک خود را می‌شناخت و به این دلیل از خانهٔ او حفاظت می‌کرد و این یکی از نخستین مظاهر مالکیت خصوصی در تاریخ زندگی انسان است. سگ نخستین موجودی است که خود را به عنوان کالای قابل تملک وارد جوامع انسانی کرد و بدین ترتیب به یک کارفرما یا صاحب مشخص پیوند یافت (Wade, 2006: 113). بنابراین با توجه به خصایص ذاتی سگ و تأثیری که در حس مالکیت در انسان به وجود آورد، تک‌نگاره‌های سگ نقش یادمانی از این جانور است که صاحبان آن شاید چوپانان آن را نقش کرده‌اند.

نقش متقارن سگ‌ها

سنگ‌نگاره‌هایی که تقریباً به صورت متقارن سگ را نقش کرده‌اند، هر دو در خمین استان مرکزی قرار دارند. در یکی از این سنگ‌نگاره‌ها دو سگ پوزه‌های خود را به هم مالیده، پاهای جلویی هر دو آن‌ها به سمت مقابل کشیده شده، دم آن‌ها برگشته، بدن و گوش‌هایشان کشیده است و ریخت پاهای عقب آن‌ها به گونه‌ای است که نوعی جست و خیز و به سمت همدیگر دویدن را نشان می‌دهد، در حقیقت این دو سگ در حال بازی با یکدیگر هستند. بر خلاف این

نقش، سنگ‌نگاره دیگر سگی را نشان می‌دهد که پاهای جلویی خود را بلند کرده و در حال پارس کردن است، این سگ جثه‌ای بزرگتر از سگ مقابلش دارد، پاهای جلویی سگ مقابل نیز کشیده است که نشان می‌دهد به سمت سگ بزرگ‌جثه در حال دویدن و حمله است و هر دو سگ با همدیگر جدال می‌کنند. در حقیقت هنرمند جنبه‌هایی از ویژگی‌های جانوران را به تصویر می‌کشید که برای تفسیر زیبایی، زشتی، چابکی، جذبه یا درندگی ضرورت داشته باشد (جمالی، ۱۳۹۴: ۴۴).



تصویر (۵): خمین، استان مرکزی (همان)

تصویر (۴): خمین، استان مرکزی (ناصری‌فرد،

۱۳۹۵: ۳۴۷)

در این سنگ‌نگاره‌ها، هنرمند برای انتقال ویژگی‌های دوستی، چابکی، دشمنی و درندگی سگ‌ها، تصویری از زندگی روزمره آن‌ها را با ویژگی بصری تقارن درآمیخته و به اثر جنبه زیباشناسی داده است. تقارن پدیده ذاتی در جهان پیرامون ماست که به طور طبیعی وجود دارد و در معماری و آثار هنری بار دیگر تکرار می‌شود. تقارن عنصر زیباشناسی است که به عنوان نشانه، توجه بصری را به خود جذب می‌کند و باعث تعادل در نقوش می‌شود، همچنین ویژگی‌های مختلف نقش‌ها را به هم پیوند می‌دهد (Loy and Olof Eklundh, 2006: 508). حرکت و حالت مشابه دو سگ در حال بازی باعث ایجاد تقارن انعکاسی شده است، یعنی تکرار نقش از میان یک خط مستقیم فرضی رخ داده و یک تصویر آینه‌ای به وجود آورده است (Hann, 2003: 33). در سنگ‌نگاره‌ای که دو سگ بازی می‌کنند، زبان بدن آن‌ها کاملاً مشابه هم است و نقش ایجادشده به حالت تقارن آینه‌ای بیشتر شباهت دارد و این تقارن در انتقال حس دوستی اثر داشته است؛ اما در سنگ‌نگاره‌ای که سگ‌ها با یکدیگر جدال می‌کنند، ویژگی تقارن کمتر است، زیرا زبان بدن سگ‌ها متفاوت است. یکی از سگ‌ها در حال حمله و دیگری که پارس می‌کند و پاهایش را بلند کرده در حال دفاع و عرض اندام است. البته خصایص سگ‌ها در رو به رو شدن

با دشمن و عوامل تهدیدکننده و توانایی آن‌ها در نبرد تن به تن با سایر جانوران به ویژه جانورانی از گونه سگ‌سانان، باعث شده است که دو سگ به گونه‌ای برابر در نبرد نمایش داده شوند. بنابراین تقارن بهترین بازنمایی هنری برای تجسم بخشیدن به چنین پدیده‌ای بوده است.

نقش گروهی سگ

در رنگین‌نگاره غار دوشه، سه سگ به صورت گروهی و با جثهٔ بزرگ، گوش‌های تیز و دم برآمده به بالا نقش شده‌اند. در این اثر به جز سگ موجود دیگری حضور ندارد، فقط سه سگ با دهانی کاملاً باز یا نیمه‌باز تصویر شده‌اند که به نظر می‌رسد پارس می‌کنند. جهت پاهای آن‌ها رو به جلو است، بنابراین سگ‌ها در حال دویدن به سمتی نامشخص هستند. در این صحنه هنرمند، نمایی از دنیای وحش سگ‌ها را بر مبنای نمایش ویژگی ریخت‌شناسی بدن‌شان به تصویر کشیده است، مهم‌ترین ویژگی درندگی سگ، ایجاد وحشت با پارس و دویدن سریع به سمت عامل تهدیدکننده است. احتمالاً این سگ‌ها عامل تهدید را سریعاً تشخیص داده و به آن واکنش نشان داده‌اند.



تصویر (۶): غار دوشه، چغلوندی، لرستان (خسروی و خلیل‌پور، ۱۳۹۸)

با توجه به اینکه مردم باستان، بر هر پدیده‌ای نامی می‌گذاشتند که بر ویژگی‌ها و کارکردهای آن دلالت داشته باشد، واژه سگ نیز دال بر ویژگی‌های ذاتی این جانور از جمله درندگی است. واژه سگ بازماندهٔ نقش‌های دستوری صفت -spaka و اسم span_ است که هر دو از ریشهٔ فعلی -spas به معنی «زیر چشمی نگاه کردن» مشتق شده‌اند (Bartholomae, 1904: 1610-1614). این واژه بیانگر هوش این جانور در برقراری ارتباط با موجودات دیگر و تشخیص زبان رفتار دوست و دشمن است. سگ بلافاصله با تشخیص خود شروع به پارس کردن می‌کند تا

ترس را بر جانوران، دشمن و عامل تهدید مستولی کند و در محدوده زیستش فضای امنی ایجاد کند و احتمالاً واژه پارس از پاس به معنای «نگهبانی» مشتق شده که به معنی حفاظت از اهل خانه است (اکبری شلدره‌ای، ۱۳۹۰: ۷۴). مهم‌ترین ویژگی درندگی سگ همان پارس کردن است که باعث شده، سگ به یک عامل دفاعی عالی تبدیل شود. احتمالاً پاسبانی در برابر غریبه‌ها، دشمنان نخستین، مهم‌ترین کارایی سگ در زندگی انسان بوده است (Wade, 2006: 111). در حقیقت حس تعلق سگ به یک مالک با ایجاد امنیت برای او، سگ را به جانوری بسیار مفید در جوامع کوچ‌نشین و یکجانشین تبدیل کرده بود.

نقش سگ در مقابل گرگ

در رنگین‌نگاره تخت‌چان می‌توان نقش دو گونه از سگ‌سانان را تشخیص داد. با اینکه به سختی می‌توان نقش سگ را از گرگ تفکیک کرد، اما با توجه به مهم‌ترین تمایز ریخت‌شناسی آن‌ها که گرگ گوش‌های تیز دارد و سگ گوش‌های نسبتاً گرد و گاه افتاده، گرگ دم تیز و رو به بالا دارد و سگ دم فردار، گرگ پوزه کشیده دارد و همچنین هرگز پارس نمی‌کند، می‌توان در این رنگین‌نگاره گروهی از سگ‌های درشت‌جنه را در مقابل یک گرگ با پاهای بلند و کشیده شناخت، به طوری که یکی از این سگ‌ها به نبرد تن به تن با گرگ رفته است. در هر صورت سگ و گرگ در میان جانوران دو گونه‌ای هستند که در عین شباهت ریخت‌شناسی فراوان، از نظر رفتار و سبک زندگی متفاوت هستند، به ویژه در نوع رفتاری که سگ در مقابل انسان برگزیده است که سبب شده تا رفتار متخاصم در مقابل گرگ برگزیند. در این رنگین‌نگاره برای آنکه خوی درنده و وحشی گرگ در مقابل سگ نشان داده شود، گروهی از سگ‌ها که به نبرد گرگ رفته‌اند، تصویر شده است. البته در میان سگ‌سانان، گرگ از همه باهوش‌تر است و به ویژه در ردیابی و کشتن طعمه‌های‌شان ماهرانه عمل می‌کنند (Bukowick, 2004: 77). همین موضوع نیز باعث شده است گروهی سگ به نبرد با این جانور باهوش روند.



تصویر (۷): تخت چان، پلدختر، لرستان (نگارندگان، ۱۳۹۹)

در این رنگین‌نگاره از هشت سگ، سه سگ در حال پارس کردن هستند. به نظر می‌رسد چندان حالت حمله پارس کردن سگ در مقابل گرگ کارساز نیست. گرگ جانوری است که به عقیده آزمایش‌های برخی از پژوهشگران نیای سگ است. تاریخ تخمینی جدایی سگ از خویشاوندش یعنی گرگ بر اساس آزمایش DNE سگ‌ها، ۱۳۵۰۰۰ پیش برآورد شده است. بلیائف^۱ با انجام آزمایش‌هایی دربارهٔ اهلی شدن سگ، به این نتیجه رسید که اکثر گونه‌های اهلی سگ از نیاکان وحشی‌اش مشتق شده‌اند و مجموعه ژن‌هایی که باعث تغییر رفتار یعنی قابلیت رام شدن جانوران وحشی را شکل دادند، عامل ایجاد ویژگی‌های کالبدی مشخصی مانند نوارهای سفید روی پوست، موهای فردار، دم‌های کوتاه و گوش‌های افتاده‌شده بودند. احتمالاً در طی فرایند اهلی شدن بوده است که سگ‌ها توانایی درک زبان بدن انسان را یافتند. البته کاپنجر^۲ بر این باور است که گرگ‌ها خود را اهلی کردند، بدین گونه که آن‌ها برای یافتن غذا پیرامون اردوگاه‌های انسان آمدند و شروع به خوردن پسماند و ضایعات غذای انسان کردند و آموختند کمتر از انسان بترسند. البته برخی معتقدند انسان‌ها توله‌های گرگ را با خود به اردوگاه آوردند و این جانور با محیط انسانی سازگار شده و در فرایند آن ژن‌های اهلی‌سازی ظاهر گردیدند (Wade, 2006: 112-114). آنچه مهم است رابطه نزدیک سگ با انسان در فرایند اهلی‌سازی است. سگ با هوش و چشمان تیزبینش، زبان بدن اکثر موجودات را تشخیص داده و به آسانی با آموزش‌های انسان به جانوری بی‌آزار، وفادار و فرمانبردار تبدیل شده است، در حالی

1 Belyaev
2 Coppinger

که گرگ همواره دشمن انسان است و هیچ گونه همبودی و هم‌زیستی با انسان طی تاریخ نداشته است. انسان گرگ را نماد هر گونه شرارت و بدی می‌داند. انسان باستانی گرگ را که در شکار ماهرانه عمل می‌کرد، رقیب خود می‌دید و تلاش می‌کرد گرگ را نابود کند تا همه منابع از آن انسان شود (Bukowick, 2004: 77). در این راه سگ به عنوان جانور خوب و یاریگری انسان در برابر گرگ نماد بدی می‌ایستد. به طور کلی این رنگین‌نگاره تصویری از دنیای وحش است و تفاوت گرگ و سگ را بازنمایی کرده است.

نقش سگ همراه با جانوران دیگر

بر سنگ‌نگاره روستای قانیاروق سه سگ و یک گربه‌سان در میان چهار بز قابل تشخیص هستند. همه جانوران در حال دویدن هستند. احتمالاً این صحنه‌ای از یک چراگاه هست که سگ‌های گله نیز برای مراقبت از چارپایان به تصویر کشیده شده و حضور گربه‌سان نشان‌دهنده هجوم این شکارچی به گله است. بر سنگ‌نگاره روستای ژیوار یک سگ به دنبال بزی نقش شده است، این صحنه نیز نگهداری سگ از بز را نشان می‌داد. نقش سگ در رنگین‌نگاره هومیان بر قسمت پایین سمت چپ و قسمت بالا سمت راست ایجاد شده و در قسمت بالا سمت چپ رنگین‌نگاره یک گراز و قسمت پایین سمت راست یک بز تصویر شده‌اند. در سمت چپ رنگین‌نگاره مقابل سگ چیزی شبیه تکه‌ای گوشت نشان داده شده است. به نظر می‌رسد این رنگین‌نگاره صحنه‌ای از زندگی جانوران مختلف را نمایش داده است. بر سنگ‌نگاره آشورآباد پنج نقش سگ، یک نقش بزکوهی وجود دارد. نقوش سگ با حالت‌های مختلف ایجاد شده است، سه تایی آنها در قسمت راست تخته‌سنگ و دو تا در قسمت چپ آن قرار دارند. در سنگ‌نگاره کوه امامزاده پیرعباد، یک نقش بزکوهی به صورت ناقص، دو تا نقش سگ و یک نقش گراز ایجاد شده‌اند. نقش بزکوهی در وسط تابلو، نقش سگ در قسمت وسط و بالایی تابلو و نقش گراز در قسمت راست پایین تابلو قرار دارد.



تصویر (۱۰): هومیان،
کوهدهشت، لرستان (همان)

تصویر (۹): پیرعباد، ازنا، لرستان
(همان)

تصویر (۸): ژيووار،
سروآباد، کردستان (همان)



تصویر (۱۲): آشورآباد، ازنا، لرستان (همان)



تصویر (۱۱): سبک، اراک، مرکزی
(همان)

در آثاری که معرفی شدند، اکثراً نقش سگ همراه با بز ایجاد شده است. فقط در دو نمونه آن در کنار نقش سگ و بز، نقش گراز هم دیده می‌شود. «گراز نر نماد شجاعت، ثبات قدم، قدرت، حمله جسورانه، وحشی‌گری و درنده‌خویی است» (اخوان اقدم، ۱۳۹۶: ۸۹ و ۹۰). گراز در سنگ‌نگاره کوه امامزاده پیرعباد و رنگین‌نگاره هومیان به صورتی جداگانه و با فاصله از سایر جانوران نقش شده است و حضورش در این آثار بیشتر برای نشان دادن قدرت و درندگی جهان وحش است که سگ باید از گله در برابر آن نگهداری کند. به طور کلی کارکرد نگهبانی سگ، آن را به عاملی برای حفاظت از چارپایان مفید تبدیل کرده است. بز جانوری است که اکثراً در محیط کوهستانی زندگی می‌کند و انسان از دورانی که در کوهپایه‌های زاگرس به شکار و گردآوری غذا می‌پرداخت، از سگ به ویژه در شکار استفاده می‌کرد (گلشن، ۱۳۹۳: ۳۷). بنابراین سگ و بز از دوران گردآوری غذا با هم برخورد نزدیکی داشته‌اند و هر دو در معیشت انسان اثرگذار بوده‌اند. بی‌شک تهیه و تأمین خوراک و غذا، مهم‌ترین دغدغهٔ انسان از دیرینه‌ترین زمان تا امروز بوده است، به ویژه انسان باستانی که برای زنده ماندن و زندگی کردن بیش از هر چیز به غذا محتاج بود. سگ علاوه بر آنکه توانایی ایستادگی در برابر جهان وحش را داشت، توانست با انسان و چارپایان رابطه خوبی برقرار کند و از آنجا که حافظ مایملک از جمله غذای

صاحب خود بود، به گونه‌ای غیرمستقیم در بهبود معیشت انسان تأثیر داشت. بنابراین در برخی از آثار باستانی که هدف خلق آن‌ها نشان دادن برکت و باروری گله است، سگ را به عنوان حافظ این باروری نمایش می‌دهند. بز که بر اساس اکثر شواهد باستانی با شاخ‌های بزرگ و برآمده بازنمایی شده، نماد باروری است، شاخ‌های بز نماد ماه هست و ماه خود ناظر آب‌ها و رویاننده گیاهان است (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۶۸). بنابراین در این چهار سنگ‌نگاره، بز نمادی از نعمت و برکت است و سگ نیز محافظ این نعمت و برکت برای انسان است و به طور کلی این آثار صحنه‌هایی از چرای دام را نمایش می‌دهند.

نقش سگ در کنار انسان

سگ‌سانان در میان جانوران، نخستین دوست و همدم و در نهایت همکار انسان در شکار بوده‌اند. گرگ‌ها و انسان‌های غارنشین برای به دست آوردن غذا به صورت گروهی با جانوران دیگر مبارزه می‌کردند (گلشن، ۱۳۹۳: ۳۵). دوستی انسان با سگ باعث شد تا سگ به گونه‌های مختلف در صحنه زیست انسان حضور یابد. در سنگ‌نگاره هندودر و سنگ سفید الیگودرز حضور انسان همراه با بز و سگ در یک چراگاه نقش شده است. در سنگ‌نگاره هندودر سگ در آخر ردیف ایجاد شده است، به طور کلی سگ گله پشت سر آخرین چارپا حرکت می‌کند یا در ارتفاع می‌ایستد و بر گله نظارت می‌کند (محمدی ملاسرایبی و موسوی دیزکوهی، ۱۳۸۲: ۱۸۷). همچنین در سنگ‌نگاره سنگ سفید سگی در سمت چپ نقش شده است که به نظر می‌رسد بر اوضاع پیش‌روی خود نظارت دارد. در سنگ‌نگاره باوکی انسانی با یک دستش سگ را گرفته و در دست دیگرش شیء است که به سمت سگ می‌خواهد آن را فرود آورد و در سنگ‌نگاره ارزندریان همدان، انسان دم سگ را گرفته است. احتمالاً این سنگ‌نگاره‌ها نشان می‌دهد که انسان‌ها در حال رام کردن یا تعلیم به سگ هستند. همچنین در سنگ‌نگاره باوکی یک سگ به سمت بز کوهی می‌دود که در بالاترین قسمت سنگ‌نگاره نقش شده، احتمالاً این بز از گله جدا شده و سگ به دنبالش رفته تا آن را بازگرداند. در میان عشایر امروزی سگ کوهی که با چوپان بسیار مأنوس است، بهتر می‌تواند از گله حفاظت کند. این سگ با حفاظت از گله در زندگی اقتصادی عشایر امروزی اهمیت زیادی دارد (همان: ۱۸۳-۱۸۴). بنابراین احتمالاً سگ‌هایی که

در این سنگ‌نگاره‌ها تصویر شده‌اند، سگ کوهی باشند. در سنگ‌نگارهٔ شرشر، سگ انسانی را که در حال طی کردن مسافتی است، همراهی می‌کند. در سنگ‌نگاره گلپایگان دو فرد جنگجو مسلح به سلاح و کلاه‌خود ارتباط نزدیک با سگ‌ها برقرار کرده و قلاده سگ‌ها را به دست گرفته‌اند. سر، گوش‌های تیز، دم برآمده و حرکت پاهای سگ‌ها و دستان بلند و کشیده هر دو جنگجو و شکل شمشیر و کلاه‌خود آن‌ها کاملاً مشابه هم هستند. مهم‌ترین ویژگی این نقش برقراری ارتباط این دو جنگجو با سگ‌های تازی است و نوعی مشابهت بین جنگجو و سگ را تداعی می‌کند. این مشابهت نیروی مشترک جنگی انسان و سگ در شکار است. در اساطیر هند و اروپایی جنگجویان در هیئت سگ و گرگ ظاهر می‌شوند (Anthony & Brown, 2017: 134). در ضمن این نقش‌ها که روایتگر ارتباط انسان با سگ است، با این هدف نقش شده‌اند تا بر محیط اطرافشان تأثیرگذارند و زندگی روزمره انسان را تسهیل کنند (جمالی، ۱۳۹۴: ۴۴).



تصویر (۱۴): سنگ سفید، الیگودرز، لرستان (همان)



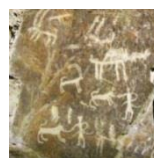
تصویر (۱۳): هندودر، شازند، مرکزی



(نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر (۱۶): باوکی، ازنا، لرستان (همان)



تصویر (۱۵): درخت مُهر، گلپایگان،

اصفهان (جمالی، ۱۳۹۴: ۳۵۰).





تصویر (۱۸): ازندریان، ملایر، همدان (محمدی‌فر و هم‌ت‌ی ازندریان، ۱۳۹۳: ۲۳۲)

تصویر (۱۷): شرشر، دورود، لرستان (همان)

نقش سگ در صحنه‌های شکار

ایرانیان از هزاران سال قبل برای شکار انواع جانوران، از سگ‌های لاغراندام و چابک استفاده می‌کردند. سگ‌های تازی با قدرت بینایی‌شان طعمه را شناسایی و با سرعت و استقامت بالا آن را دنبال می‌کردند. سنگ‌نگاره‌ها از مهم‌ترین و کهن‌ترین شواهدی هستند که مشارکت سگ تازی با انسان را در شکار نمایش می‌دهند. تعداد و تنوع سنگ‌نگاره‌ها با موضوع شکار، پایداری این شیوه شکار و حفظ سنت‌های کهن طی هزاران سال را نشان می‌دهد، به طوری که در میان جوامع روستایی و عشایری این شیوه ادامه دارد (گلشن، ۱۳۹۳: ۳۸). اولین گونه اهلی شده سگ، در منطقه خاورمیانه حدود ۱۲۰۰۰ سال پیش از گونه وحشی - گرگ - *Canis lupus* بود که بسیار به فعالیت شکار انسان کمک می‌کرد (Alves et al, 2018: 156). سگ نه تنها نماد فرمانبرداری است، بلکه نمادی از در بند کردن و مقید کردن سایر موجودات نیز است.



تصویر (۲۰): زرینه، قروه، کردستان (همان)



تصویر (۱۹): زردالک، شازند، مرکزی

(نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر (۲۲): غرقاب، گلپایگان (جمالی، ۱۳۹۴:

۳۵۵)



تصویر (۲۱): سنگ مهرداد، هومیان، کوهدشت

(همان)



تصویر (۲۴): میرملاس، کوهدشت، لرستان

(همان)



تصویر (۲۳): تیمره، خمین، مرکزی (همان)

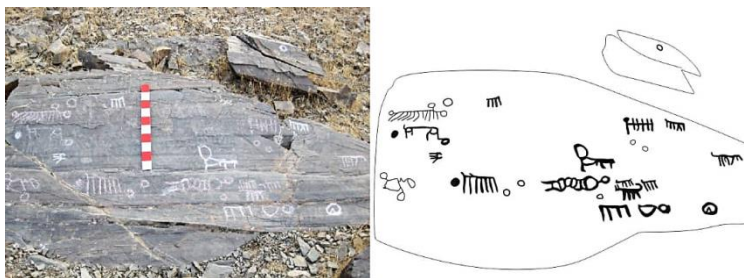


در اکثر شواهد باستانی که نقش شکار را تصویر کرده‌اند، افراد به صورت گروهی در حال شکار هستند، زیرا شکار جانوران به ویژه با ابزارهای ابتدایی کاری بسیار مشکل بود، شکار در حفاظت از گله‌ها، انسان‌ها و تأمین مواد غذایی و سایر مواد تولیدی اهمیت داشت (Ellison, 1978: 158). بنابراین ابزارهایی مانند تیر و کمان و احتمالاً سنگ تازی وارد آیین‌های شکار و جنگ شدند. آیین بر مراحل بسیار تأثیرگذار در زندگی انسان به ویژه بر مراحل آغازین رشد فرهنگی تأکید می‌کند که به طور مستقیم با فرد و گروه ارتباط دارد (واخ، ۱۳۸۰: ۴۵). در دوران پارینه‌سنگی که خوراک بیش از هر چیز از راه شکار به دست می‌آمد، شکار کردن بسیار اهمیت داشت (دلپورت و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۵). با توجه به اینکه در این دوران ابزارهای شکار ابتدایی بودند و قدرت بدنی انسان در برابر بسیاری از جانوران کم بود، سنگ محدودیت‌های جسمانی انسان را با تشخیص طعمه و دویدن سریع برمی‌داشت و از مزیت

استفاده از آشغال خوراک انسان بهره می‌برد. این نقوش شکار علاوه بر نمایش آداب و رسوم شکار می‌توانست برای بازنمایی عملی باشد که در پیرامون سنگ‌نگاره انجام می‌شد و در حقیقت این محیط قلمرو شکار آن‌ها بود که با ایجاد نقش آن را مشخص و محدود می‌کردند (جمالی، ۱۳۹۴: ۴۱). فنون شکار فقط شیوه زندگی انسان را تغییر نداده، بلکه معنویتش را هم بارور و غنی کرده است. انسان برای جهان ارزش جادویی-مذهبی قائل شد (الیاده، ۱۳۸۹: ۴۳۳). از این رو، انسان پیش از تاریخ با ایجاد چارچوب مشخص برای هر جانوری آن را تابع قلمرو شکار خود می‌کرد و با کشیدن نقش آن در قالب نقاشی که جنبه جادویی داشت، می‌خواست موفقیت دسته‌جمعی انسان در شکار را تضمین کند و با تکرار نقش جانوران بر این عقیده بودند که تعداد آن‌ها را بیشتر و نسل‌شان را بارورتر کنند (جمالی، ۱۳۹۴: ۴۳). در صحنه‌های آیینی، یادمانی و جادویی شکار، سگ همراه و یاور انسان است، سگ‌ها تنها جانورانی هستند که می‌توانند برای شکار تعلیم ببینند. شاید انسان‌های پیش از تاریخ ابزار تیر و کمان و سگ را پدیده‌هایی از جانب ماوراءطبیعه می‌دانستند که با برپایی آیین شکار حضور آن‌ها تداوم می‌یافت. در سنگ‌نگاره‌ی زرینه در دو طرف شکارچی که کمان دارد، دو سگ ایستاده‌اند. در این سنگ‌نگاره به خوبی اتحاد سگ با انسان در شکار آشکار شده است. همچنین در سنگ‌نگاره‌های گلپایگان و سنگ مهرداد سگی در کنار شکارچی مسلح به تیر و کمان ایستاده است. در سنگ‌نگاره زردالک، تیمره و میرملاس سگ به دنبال شکار می‌دود. در گذشته همه حرفه‌ها آیین‌مند بودند. آیین باعث ارتباط جسم و ذهن انسان با متافیزیک می‌شود و متافیزیک بر آن عمل، تأثیر و نفوذ روحانی داشت. در همه صحنه‌های شکار در سنگ‌نگاره‌ها، ثبت این رویداد بسیار مهم و به یادماندنی و همه پدیده‌ها با آن درگیر بوده است. این سنگ‌نگاره‌ها روایتگر زندگی روزمره مردم هستند که به عمل آیینی تبدیل شده بودند. اصولاً در گذشته گرسنگی و تشنگی انسان با عمل آیینی پیوند دارد (الیاده، ۱۳۸۹: ۴۳۰). صحنه شکار این عمل آیینی را تکرار می‌کند تا تأثیر ماوراءطبیعه بر عمل شکار مؤثرتر شود. صحنه شکار یکی از پر تکرارترین نقوش در سنگ‌نگاره و آثار هنری در دوران پیش از تاریخ و تاریخی است. البته فقط در سنگ‌نگاره‌ها، سگ به صورت کاملاً مشخص بازنمایی شده است و همراه با شکارچی نقش اصلی صحنه را بازی می‌کنند.

نقش سگ در مراسم آیینی

سگ موضوع اصلی سنگ‌نگارهٔ ملحمدر است، در قسمت راست تابلو یک سگ با حالت ناامیدانه در حال خروج از صحنه است. از نوع گوش و سر سگ کاملاً مشخص است که یک سگ تازی است و نرینه بودن جانور هم به تصویر کشیده شده است. تقریباً در مرکز تابلو سه سگ دیگر نقش شده که بر بالای سر انسانی خوابیده، به نظر ایستاده‌اند و در قسمت چپ تابلو، نقش سگی است که در حال بوییدن زمین است. پنج نقش جانوری دیگر (به نظر سگ) هم در تصویر وجود دارند که به صورت قطعی نمی‌توان آنها را سگ دانست.



تصویر (۲۵): روستای ملحمدر، شازند استان مرکزی (نگارندگان، ۱۳۹۹)

تاکنون هیچ سنگ‌نگاره‌ای مشابه این سنگ‌نگاره از استان‌های مرکزی، لرستان و کردستان به دست نیامده است. در میان نقش سگ‌ها، نقش بدن فردی احتمالاً جسد ایجاد شده که با پارچه پیچیده شده است. تنها موضوعی که می‌توان به این صحنه نسبت داد، اجرای مراسم «سگ‌دید» است. سگ در مراسم تدفین، پیشینه‌ای دیرینه دارد، سگ در قبور انسان در گنور تپه واقع در منطقه مرغیانه (مرجانا) (۱۶۰۰-۱۷۰۰ پ.م.) تدفین شده است (سید سجادی، ۱۳۹۵: ۵۷۵). این آرامگاه نشان‌دهندهٔ ارتباط عاطفی سگ با صاحبش است، سگ قربانی شده تا همچنان از صاحبش در برابر خطرهای بعد از مرگ حفاظت کند، قبر فرد مانند خانه دنیوی اوست و پس از مرگ هم، محافظ خانه دنیوی، صاحبخانه، مالک و ارباب خود را همراهی می‌کند. در اوستا آمده است: هر کس سگ گله، سگ خانگی یا ولگرد، سگ شکاری را بکشد، روان او هنگام رفتن به جهان دیگر با فریادی بلندتر از فریاد گوسفندی که گرگی در جنگلی وسیعی به او شیخون زده،

پرواز می‌کند و سگ نگهبان (پل چینوت) به او یاری نمی‌رساند (وندیداد، فرگرد سیزدهم، بندهای ۸ و ۹). علاوه بر گور دسته‌جمعی گنور، در گورستان خرم‌آباد واقع در مشکین‌شهر استان اردبیل، که سه کورگان سکایی کشف شده، در گورکان شماره ۲۲ هشت اسب، دو سگ، و دو گاو به عنوان هدایای فرد متوفی دفن شده بودند (رضالو و آیرملو، ۱۳۹۶). در حقیقت خصایصی که سگ داشته و از آن‌ها برای بهتر زیستن انسان استفاده می‌کرد، در دنیای بعد از مرگ هم تداوم داشته است. در اساطیر نیز سگ محافظ انسان است و فقط اوست که موفق می‌شود از کالبد گیومرث (پیش نمونه انسان) پاسبانی کند و از آن پس نگهبان روح انسان‌ها شد (Berezkin, 2012: 147). جوامع اولیه سگ را با دنیای روح مربوط می‌دانستند (میتفورد، ۱۳۹۴: ۵۳). سگ جانور شب‌زنده‌داری است و در طول شب، از زنده‌ها محافظت می‌کند (Brunner, 1978: 103). سگ از نیمه شب تا سپیده صبح هزاران آفریده اهریمن را می‌کشد (وندیداد، فرگرد سیزدهم، بند دوم). بنابراین در دین زرتشتی حضور یک سگ در مراسم سگ دید از واجبات محسوب می‌شد تا دیو نسو را از سمت جسد براند، این آیین از دوره ساسانی باقی مانده است (دوستخواه، ۱۳۷۱: ۷۲۹). در دین زرتشتی سگ جانور مقدسی بود، چون با هر شری جدال می‌کرد. زرتشتیان اعتقاد داشتند که روح انسان تا سه روز پس از مرگ در جهان هست و زمانی که بدن فاسد شود، دیگر روان در تن نیست. دیو نسو تلاش می‌کند تا زودتر بدن انسان را فاسد و گندیده کند (آموزگار، ۱۳۸۶: ۸۶) و سگ با نگاه کردن، بو کردن و پارس کردن دیو نسو را که وارد بدن انسان شده است، می‌راند.

نژادشناسی سگ‌های سنگ‌نگاره‌ها

سگ‌هایی که بز را دنبال می‌کنند، نژاد تازی دارند که امروزه به نام سالوکی معروفند، مانند نقش سگ در سنگ‌نگاره فرزبان و سگ سنگ‌نگاره ملحمدر که در قسمت راست سنگ‌نگاره است و از تصویر خارج می‌شود و نقش سگ در سنگ‌نگاره غرقاب که بزی را گرفته است. سگ تازی کوچک جثه و لاغراندام است و به راحتی شکار را تعقیب می‌کند. اما سگ‌هایی که جثه بزرگ دارند و از قدرت بدنی بسیاری برخوردارند و امروزه شامل گونه‌های سرابی و پژدر می‌شوند، به هیچ‌وجه کارایی چندانی برای شکار ندارند، زیرا سرعت آن‌ها کم است و نمی‌توانند با سرعت

زیادی بدونند. در سنگ‌نگاره درخت مهر گلپایگان که نظامیان قلاده سگ‌ها را گرفته‌اند، دو سگ با جثه و قدرت بدنی بالا تصویر شده‌اند. احتمالاً این نظامیان در جنگ از آنها استفاده می‌کردند. امروزه تنها گونه سگی که متعلق به شهر گلپایگان است و جثه بزرگی دارد و برای نبرد تن به تن مناسب است، سگ قهدریجان است. همه سگ‌ها چون از نژاد گرگ بودند، گوش‌های تیز داشتند که به مرور زمان گوش‌های آن‌ها گرد و افتاده شده است.

سبک و شیوه ایجاد نقش سگ در سنگ‌نگاره‌ها

اکثر نقوش سگ بر روی صخره‌های منتخب با روش کوبشی ایجاد شده‌اند، به جز سنگ‌نگاره شرشر که روش ایجاد نقش سایشی است. به طور کل نقوش با ابزار از فلز یا سنگ شکل یافته‌اند که میزان سختی آن‌ها بیشتر از بافت صخره بوده است. در شیوه ایجاد کوبشی با ابزار مورد نظر ضربه‌های متوالی بر بستر صخره وارد می‌کردند و نقش را به صورت منفی شکل می‌دادند. عمق نقش‌های ایجادشده از ۲ تا ۷ میلیمتر متغیر است. سبک ایجاد نقش سگ به دو شیوه استلیزه یعنی ساده کردن تصاویر و اجزای آن و واقع‌گرایانه بوده است. اکثر نقوش به صورت توپر ایجاد شده‌اند و در سنگ‌نگاره‌های شرشر، هندودر، آشورآباد و ملحمدر سبک خطی نیز دیده می‌شود و در رنگین‌نگاره‌ها با روش نقاشی و با رنگ‌های قرمز اخزایی و سیاه ایجاد شده‌اند.

گاه‌نگاری نقوش سگ

تاریخ‌گذاری نقوش سگ در پایان‌نامه رحیمی و مقالات و منابع سنگ‌نگاره‌های زاگرس میانی که نقش این جانور را هم مورد مطالعه قرار داده‌اند، بیان شده است. این تاریخ‌گذاری‌ها به صورت نسبی و بر پایه شیوه ایجاد نقش، ابزار و آلات موجود در نقوش، جانوران رام‌شده در اثر، مقایسه نقوش با سایر داده‌های تاریخ‌گذاری شده و همچنین نوع پوشش سوارکاران گاه‌نگاری شده - است. گاه‌نگاری این سنگ‌نگاره‌ها به این ترتیب، آشورآباد به عصر مفرغ، زردالک به عصر آهن III، ملحمدر به دوران تاریخی ساسانی، باوکی به عصر آهن III، پیرعباد به عصر آهن III و دور دوران تاریخی اشکانی، هندودر به دوران تاریخی ماد، سبیک به دوران تاریخی سلوکی و شرشر به دوران متأخر (رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۶۱) تعلق دارند. سنگ‌نگاره پل‌دختر به دوران

نوسنگی، زیرا در این محوطه اثری از کار با ابزار فلزی و نقش انسان با پوشش خاص یا حیوان اهلی مانند اسب وجود ندارد و سلاح انسان فقط کمان است، ژيوار با توجه به استفاده از قلم فلزی در ایجاد نقش، نبود هیچ نقش جانور رام‌شده در سایر سنگ‌نگاره‌های محوطه و شباهت نقش بز این سنگ‌نگاره به تصاویر این جانور بر سفال‌های عصر مس سنگی، تاریخ این سنگ‌نگاره به عصر مفرغ، زرینه به عصر آهن II، سنگ‌نگاره سنگ سفید عصر آهن، سنگ‌نگاره درخت مهر با توجه به تن پوش و کلاه جنگجویان و همچنین شمشیر خمیده که بیشتر در دوره اسلامی کاربرد داشت، متعلق به دوره صفوی، به طور کل محدوده زمانی از نقش سگ در هنر صخره‌ای زاگرس میانی از دوره نوسنگی تا دوره صفوی را دربرمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

انسان طی زندگی خود بر اساس نوع کنشی که با پدیده‌های مختلف برقرار کرد، جایگاه و نوع مناسبات خود با آن پدیده را در ذهن و عمل خود سازمان داد، به طور کلی سنگ‌نگاره‌ها بازنمایی همین کنش انسان است و به همین دلیل سنگ‌نگاره‌ها از مهم‌ترین منابع برای شناخت ذهن، روان و سبک زندگی مردم باستان هستند. در این میان، انسان با نقش کردن تصویری از جانوران مختلف نوع و میزان شناختی را که از آن‌ها کسب کرده بود و جایگاهی را که آن جانور در زندگی‌اش داشت، تجسم بخشید. یکی از این جانوران سگ است که بر اساس نقوش سنگ-نگاره‌های زاگرس میانی مطلع می‌شویم که حداقل از دوران مفرغ به بعد انسان باستانی از خصایص این جانور آگاهی لازم را داشته و این جانور بر اساس همین ویژگی‌هایش، نقش بارزی در زندگی گذشتگان ما ایفا کرده و اهمیت زیادی در زندگی مردم این منطقه داشته است. اکثر سنگ‌نگاره‌های زاگرس میانی نقش سگ را در صحنه شکار و بعد در صحنه چرای دام بازنمایی کرده است که به خوبی نشان می‌دهد سگ با حفاظت از صاحب و مایملک او نقش مهمی در بهبود معیشت انسان بازی کرده و یاریگر انسان در رهایی از زندگی طفیلی و حرکت انسان به سوی بهزیستی بوده است. بنابراین همراهی سگ با انسان از زمانی که سگ حافظ زیستن انسان بوده آغاز می‌شود و تعلق یافتن هر سگ به یک صاحب باعث ایجاد نوعی رابطه عاطفی بین انسان و سگ می‌گردد. همین رابطه عاطفی انسان با سگ باعث شده است در برخی

از سنگ‌نگاره‌ها سگ به صورت تک‌نگاره و به گونه‌ای یادمانی یا در موقعیت‌ها و شرایط مختلف زندگی به همراه انسان نقش شود. سگ تنها جانور درنده‌ای است که در کنار چارپایان مفید نقش شده و اصولاً این حیوان هوش فراوانی در تشخیص عامل تهدیدکننده و حفاظت از دارایی‌های صاحبش دارد. با این حال تمام نقش سگ در این سنگ‌نگاره‌ها به این موارد محدود نمی‌شود. سگ در صحنه بازی و جدال با هم‌نوع خود نیز تصویر شده است. در برخی از سنگ‌نگاره‌ها درنده‌خویی سگ موضوع اصلی است یا درنده‌خویی سگ در جنگ و جدال با نیایش یعنی گرگ به تصویر کشیده شده است. انسان با توجه به توانایی سگ در برقرار کردن ارتباط خوب با موجودات دیگر و تشخیص عامل تهدیدکننده پنداشت که این موجود با ارواح هم ارتباط دارد. بنابراین سگ را وارد مراسم آیینی تدفین کرد. در این مراسم نیاز به موجودی بوده - است تا از روح انسان حفاظت کند و ترس را به دیو مرگ نسو - مستولی کند و سگ چنین وظیفه‌ای را انجام می‌دهد.

منابع

- آموزگار. ژاله (۱۳۸۶). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سمت.
- اخوان اقدم. ندا (۱۳۹۶). بررسی ظروف فلزی ساسانی از دیدگاه نمادشناسانه. تهران: فرهنگستان هنر.
- اکبری شلدراهی. فریدون (۱۳۹۰). پارس، پارس کردن، و نام‌آواهای سگ. نامه فرهنگستان. ۴۸. ۷۰-۷۶.
- الیاده. میرچاده (۱۳۸۹). رساله در تاریخ ادیان. ترجمهٔ جلال ستاری. تهران: سروش.
- بورنی. مک (۱۳۴۸). گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت. ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان. باستان‌شناسی و هنر ایران. ۳. ۱۴-۱۶.
- بیک‌محمدی. خلیل‌الله. جانجان. محسن و بیک‌محمدی. نسربین (۱۳۹۱). معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر-همدان). پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۲. ۱۲۱-۱۴۰.
- جمالی، محسن (۱۳۹۴). سنگ‌نگاره‌های ایران. قم: ائمه.
- حیدری. سامان (۱۳۷۸). نگاهی اجمالی به مشخصات طبیعی حوزه بررسی اسلام‌آباد. مجله باستان‌شناسی و تاریخ. ۲. ۶۱-۶۲.

- خسروی. زینب و خلیل‌پور امیر عباس (۱۳۹۸). جایگاه سگ در فرهنگ ایرانی از آغاز تا پایان دوره ساسانی. چهارمین همایش ملی باستان‌شناسی ایران-بیرجند.
- دلپورت. لویی ژوزف. ژیران. فلیکس و لاکوئه. جی (۱۳۷۵). اساطیر آشور و بابل، (ترجمه ا. اسماعیل پور). فکر روز.
- دوستخواه. جلیل (۱۳۷۱). اوستا: کهن ترین سروده‌های ایرانیان. تهران: مروارید.
- ذاکری. احمد و جماران. فایزه (۱۳۸۹). حیوانات در آثار سعدی. تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی. ۲(۶). ۲۹-۵۶.
- رحیمی. سعید (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی پراکنش و گاهنگاری نسبی سنگ‌نگاره‌های نویافته استان‌های لرستان و مرکزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی (منتشر نشده).
- رضالو. رضا و آیرملو. یحیی (۱۳۹۶). حضور سکاها در شمال غرب ایران مطالعه‌ی موردی گورستان خرم‌آباد مشکین‌شهر، اردبیل. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۴۵(۱۳). ۴۵-۶۴.
- رضایی. مهدی و جودی. خیرالنساء (۱۳۸۹). اشکفت‌نگاره‌های هلوش: معرفی، توصیف، تفسیر و گاهنگاری. سایت مجله علمی ترویجی انسان‌شناسی و فرهنگ. www.Anthropology.ir
- رفیع‌فر. جلال‌الدین (۱۳۸۴). سنگ‌نگاره‌های ارسباران. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۰). فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور (شهرستان همدان). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- سبزی. موسی و همتی ازندریانی. اسماعیل (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل سنگ‌نگاره‌های بروجرد، استان لرستان. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۱۰(۲). ۹۱-۱۱۲.
- سید سجادی. سید منصور (۱۳۹۵). باستان‌شناسی آسیای مرکزی. جلد دوم. تهران: سمت.
- شاخ. رابرت (۱۳۸۱). فرهنگ‌های تاریخی اولیه، در باستان‌شناسی غرب ایران. به کوشش فرانک هول. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت.
- فرهادی. مرتضی (۱۳۷۶). موزه‌هایی در باد، رساله‌ای در باب مردم‌شناسی و هنر. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- قسیمی. طاهر (۱۳۸۵). بررسی و مطالعه نقوش صخره‌ای در استان کردستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی (منتشر نشده).

- قنبری، علی‌اصغر (۱۳۹۴). بررسی جغرافیای نظامی استان کردستان (با تأکید بر محور استراتژیک شیپلر). فصلنامه جغرافیای نظامی و امنیتی. ۱. ۱۲۳-۱۴۰.
- گاراژیان. عمران. عادل. جلال و پاپلی یزدی. لیلا (۱۳۸۰). سنگ‌نگاره‌های تازه کشف‌شده هومیان. انسان‌شناسی. ۲. ۸۴-۱۰۰.
- گلشن. علی (۱۳۹۳). مروری کوتاه بر نقش جانوران بر نقش جانوران در تاریخ، فرهنگ و هنر ایران. در نشانه‌هایی از دویست هزار سال همبودی انسان و جانوران در ایران زمین. تهران: موزه ملی ایران.
- لحافیان. جمال (۱۳۷۹). سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ کردستان. فصلنامه فرهنگی هنری اجتماعی کردستان. ۳-۴. ۱۴-۱۹.
- محمدی ملاسرایبی. محمدعلی و موسوی دیزکوهی. سیدهاشم (۱۳۸۲). پژوهش مردم‌شناختی درباره نقش سگ در زندگی ایل بویراحمد. نامه علوم اجتماعی. ۲۱. ۱۷۵-۱۸۸.
- محمدی‌فر. یعقوب و همتی ازندریانی. اسماعیل (۱۳۹۳). معرفی و تحلیل نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر. فصلنامه علوم اجتماعی. ۶۴. ۶-۴۰.
- مولوی. امیر (۱۳۹۰). تاریخ و فرهنگ شازند (سربند در گذرگاه زمان). اراک: نوای دانش.
- میتفورد. میراندا بوروس (۱۳۹۴). دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها. ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور. تهران: سایان.
- ناصری‌فرد. محمد (۱۳۹۵). سنگ‌نگاره‌های ایران: زبان مشترک جهانی. قم: واصف لاهیجی.
- واخ. یواخیم (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دین. ترجمه جمشید آزادگان. سمت.
- Alves, Â. G. C., Ribeiro, M. N., Arandas, J. K. G., & Alves, R. R. N. (2018). **Animal Domestication and Ethnozootechny**. In Ethnozoology (pp. 151-165). Academic Press.
- Anthony, D. W., & Brown, D. R. (2017). **The dogs of war: A Bronze Age initiation ritual in the Russian steppes**. Journal of Anthropological Archaeology, 48. 134-148.
- Bartholomae, Chr (1904). **Altiranisches wörterbuch**. Strassburg.
- Berezkin, Y. E. (2012). **Folklore Parallels Between Siberia and South Asia and The Mythology of The Eurasian Steppes**. Archaeology, Ethnology and Anthropology of Eurasia, 40(4). 144-155.
- Brunner, C. J. (1978). **Sasanian stamp seals in the Metropolitan Museum of Art**. Metropolitan Museum of Art.
- Bukowick, K. E. (2004). **Truth and symbolism: Mythological perspectives of the wolf and crow**. Boston College Electronic Theses and Dissertation.

- Ellison, E. R., (1978). **A study of diet in Mesopotamia (c. 3000-600 BC) and associated agricultural techniques and methods of food preparation** (Doctoral dissertation, University of London).
- Hann, M.A., (2003). **Conceptual developments in the analysis of patterns, Part one, The Identification of fundamental geometrical elements**. Textile Journal: 32-43.
- Henrickson, E. F. (1985). **The early development of pastoralism in the Central Zagros Highlands (Luristan)**. Iranica Antiqua. 20. 1-42.
- Loy, g, olof eklundh, j. (2006). **Detecting symmetry and symmetric constellations of features, royal institute of technology**. LNCS 3952, 508-521.
- Remacle L., Lejeune M., Adeli J., Mohammadi S. & Otte M. (2006). **Art rupestre de Houmian, province de Luristan, Iran**. Anthropozoologica 41 (2). 13-27.
- Wade N. (2006). **Before the Dawn. Recovering the lost History**. Penguin Press. New York.